

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دلیل محقق نائینی بر استحاله رجوع قید به هیئت

عرض کردیم که بر مدعای شیخ انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) بر اینکه در جمله‌های شرطیه، رجوع قید به هیئت محال است، سه دلیل ذکر شده است.

دلیل اول که دارای دو بیان بود را مفصل تبیین کردیم.

دلیل دوم را مرحوم محقق نائینی (قدس سره) اقامه فرموده است. چون مرحوم نائینی با مرحوم شیخ در این قسمت توافق دارند که محال است در جملات شرطیه، قید به هیئت رجوع کند. در «إذا زالت الشمس فصل»، زوال شمس نمی‌تواند قید برای مدلول هیئت باشد، که مدلول هیئت؛ همان «وجوب» است.

مرحوم نائینی در این دلیل می‌فرماید؛ اشکال موجود در هیئت، جزئی بودن معنای هیئت نیست. آنچه سبب عدم امکان تقييد است، این نیست که بگوییم معنا و مدلول هیئت، یک معنای جزئی است، تا مرحوم آخوند و امثال ایشان بگویند موضوع له هیئات و حروف، معنای عام و کلی است.

بلکه اشکال این است که هیئات و حروف، دارای یک معنای ملحوظ به لحاظ آلی هستند. معنای حرفی، عنوان آلت را دارند. آلت برای اینکه دو مفهوم مستقل و اسمی را با یکدیگر مرتبط کند. و اطلاق و تقييد و مفاهیمی که به لحاظ استقلالی ملحوظ هستند راه دارد. پس این دلیل دو مقدمه دارد.

مقدمه اول: همه هیئات و حروف معنایی دارند که آن معنا لحاظ آلی می‌شود و ملحوظ هستند به لحاظ آلی.

مقدمه دوم: معنایی که قابلیت اطلاق و تقييد دارد، معنایی است که به لحاظ استقلالی ملحوظ باشد.

شما وقتی یک معنایی را مستقلاً تصور و لحاظ می‌کنید، آنگاه می‌توانید این معنا را به قیدی تقييد کنید. اما وقتی یک معنا خودش عنوان آلت را دارد – «آلی» یعنی خودش به تنهایی قابل تصور نیست و در ضمن مفاهیم و معانی دیگر قابل تصور است – دیگر نمی‌توانیم آن را تقييد بزنیم و تقييد آن محال است.

لذا مرحوم نائینی می‌فرمایند ما هم مثل شیخ انصاری قائل به این هستیم که در جملات شرطیه، محال است که شرط، قید برای هیئت باشد. نه بدلیل اینکه هیئت معنای جزئی دارد، بلکه به این دلیل که هیئت دارای یک معنای غیر استقلالی و آلی است، و

معنای غیر استقلالی، قابلیت تقييد ندارد.

این دليل را در کتاب اجود التقريرات، جلد اول، صفحه 195 عنوان فرموده‌اند.

بر این دليل، هم امام (رضوان الله عليه) اشکال کرده‌اند و هم شاگرد مبرز خود مرحوم نائینی، مرحوم محقق خوئی (قده).

نقد مرحوم امام بر محقق نائینی

مرحوم امام (قده) در کتاب مناهج الوصول، جلد 1، صفحه 351، و نیز در کتاب تنقيح الاصول، جلد 2، صفحه 325، و همچنین در کتاب معتمد الاصول، صفحه 39 (که عرض کردیم؛ «مناهج» به قلم خود امام (رضوان الله عليه) است و «تنقيح الاصول» و «معتمد الاصول»، تقريرات اصولي ایشان است) اشکالاتی به مرحوم نائینی وارد کرده است و به نظر می‌رسد آنچه در کتاب معتمد الاصول آمده، هم کامل‌تر است و هم به بیانی روشن‌تر از آنچه در دو کتاب دیگر آمده، باشد و ما طبق آن بیان می‌کنیم.

در نظر شریف مرحوم امام دو مطلب مهم وجود دارد:

مطلب اول: تقييد، یک امر واقعي است و متکلم با کلام خودش و با الفاظی که استعمال می‌کند، آنچه را که در واقع هست و آن تقييدي که در واقع موجود است را حکایت و بیان می‌کند. اینچنین نیست که تقييد فقط مربوط به عالم تصور و عالم لفظ باشد. در واقع اگر زید، مقید به عدالت و یا علم باشد، این تقييد است و متکلم با لفظ، آن تقييدي را که در واقع موجود است را بیان می‌کند. پس تقييد یک امری نیست که فقط در عالم لفظ باشد.

مطلب دوم: اکثر جملات اخباریه، اخبار از معنای حرفی است. مثلاً وقتی می‌گویید «زید قائم» اینجا چه اخباری می‌کنید؟ آنچه هدف اساسی شما است، این است که می‌خواهید به مخاطب نسبت بین قیام و زید را افاده کنید. چرا می‌گویید «زید قائم»؟ برای اینکه مخاطب نسبت بین زید و قیام را درک کرده و متوجه شود. این نسبت، یک معنای حرفی است.

در اکثر جملات اخباریه مقصود اصلي متکلم، اخبار از یک معنای حرفی است. حالا اگر این نسبت، در واقع مقید به قیدی باشد، مثلاً زید در روز جمعه قائم بوده، باید بگویید «زید قائم في يوم الجمعة»، این نسبت وقتی در واقع مقید است به اینکه در یک زمان معین و ظرف معین واقع شده، شما آن را بیان می‌کنید. نتیجه این می‌شود که اکثر جملات اخباریه و تقييداتي که در جملات اخباریه وجود دارد، مربوط به معنای حرفی است. مثلاً «ضرب زید عمراً يوم الجمعة»، در جمله اخباریه هرچه قید بیاورید این قید، قید برای یک معنای حرفی است.

لذا در حقیقت به مرحوم نائینی این اعتراض را دارند که معنای حرفی و لو لحاظ غیر استقلالی دارد، اما قابلیت تقييد را دارد. دلیلی ندارد قابلیت تقييد را به لحاظ استقلالی منحصر کنیم و بگوییم آنچه ملحوظ به لحاظ استقلالی می‌شود، قابلیت برای تقييد دارد. در جملات اخباریه اینطور است.

در جملات انشائیه مولا و متکلم قبل از آنکه انشاء را انجام دهد، آن طلب خود را مقید به یک قیدی تصور می‌کند، می‌گوید من طلب نماز دارم. این «طلب نماز» را در عالم ذهن خودش مقید می‌کند به «زوال شمس» و بعد از تقييد، استعمال می‌کند.

بنابراین در جملات انشائیه هم کسی نمی‌گوید شما اول «صلِّ» را انشاء کردی، اول معنای حرفی را انشاء کردی، بعد که انشاء و ایجاد شد، بعداً تقييد می‌زنیم. خیر، مولا از ابتدا که می‌خواسته نسبت طلبیه را ایجاد کند، قبل از آن، این طلب را با قیوداتی که

دارد، يعني براي وجوب صلاة، بايد مكلف عاقل و بالغ و زوال وقت باشد. همه اينها را تصور مي‌کند، بعد ايجاد مي‌کند.

بنابراين؛ فرمايش امام(رضوان الله عليه) در جواب مرحوم نائيني اين است که در جملات اخباريه، اگر صد جمله خبري داريم، 95 جمله آن، إخبار از معنای حرفي است و همه تقييدات به اين معنای حرفي برمي‌گردد. شما چطور مي‌گويد حرف و معنای حرفي قابل تقييد نيست؟ چون لحاظ آلي دارد. خير، لحاظ آلي، مانعيت از امکان تقييد را ندارد.

در جملات انشائية هم اگر بعد از ايجاد بخواهيم تقييد کنيم، اين اشکال شما وارد است. بعد از ايجاد بگويد اين معنای حرفي لحاظ آلي شد، لحاظ آلي را معنا کرديم يعني در ضمن تصور طرفين، اين هم تصور شده و بعد که تصور طرفين تمام مي‌شود، اين هم تمام مي‌شود. ديگر قابليت براي تقييد را ندارد. اما اگر از اول، آن زماني که مي‌خواهد نسبت طلبي را ايجاد کند. در همان حين، مقيداً طلب را قبلاً تصور کند، مشروط به وقت و بلوغ بعداً ايجاد کند، اين مانعي ندارد.

نقد محقق خوئي بر محقق نائيني

اين قسمت دوّم، در کلمات مرحوم محقق خوئي در کتاب محاضرات هم آمده است(محاضرات، جلد2، صفحه 321).

ايشان بر مرحوم نائيني دو اشکال کرده: اشکال دوّم ايشان همين مطلبي است که بعينه در فرمايشات امام هم آمده است.

پاسخ استاد از اشکال مرحوم امام و محقق خوئي بر محقق نائيني

حالا بحث اين است که آيا اين اشکال دوّم بر مرحوم نائيني وارد است يا خير؟

در اشکال دوّم، مرحوم امام و محقق خوئي به مرحوم نائيني فرموده‌اند؛ اگر از ابتدا مولا قيد و شرط را تصور کرده و بعد إنشاء کند، مانعي نيست، اما بعد از استعمال ديگر امکان ندارد، يعني بعد از آنکه «صَلَّ» را استعمال و إنشاء کرد، ديگر نمي‌شود به آن تقييد زد.

ظاهراً اين اشکال بر مرحوم نائيني وارد نيست.

زيرا در باب معنای حرفيه، مرحوم نائيني مبنايي دارند که اگر آن مبنا مدنظر قرار گيرد، اين اشکال وارد نيست.

ديروز هم اشاره کرديم در باب معنای حرفيه، شايد 6 يا 7 مبنا باشد. يك مبنا اين است که مرحوم نائيني قائل هستند که «الحروف كلها ايجادية»، حروف داراي يك معنای ايجادي هستند، يعني حرف يك معنا و ربط بين دو معنای اسمي ايجاد مي‌کند، که توضيح مفصلي دارد.

حروف يك معنای ايجادي دارد. آيا لازمه اين مبنا اين نيست که حروف قبل از استعمال معنابي نداشته باشد. معنای حرف با استعمال محقق مي‌شود اگر حرف استعمال نشود، هيئات هم که محلق به حرف است محقق نمي‌شود. اگر هيئت استعمال نشود، قبل از عالم انشاء و استعمال، چيزي به نام حرف نيست.

در معنای حرفيه مبنايي مرحوم نائيني؛ «ايجاديت» است. مرحوم امام هم «ايجاديت» را در بعضي حروف پذيرفته‌اند. مبنايي

مرحوم آقای خوئی؛ «تضییق» است. «ایجادیت» یعنی با انشاء، معنایی را ایجاد می‌کند، قبل از ادیت» را در بعضی انشاء اصلاً کالعدم است. چون قبل از انشاء، معنای حرفی نداریم تا بخواهیم بگوییم در عالم تصور، مولا او را مقید کند. قبل از انشاء اگر چیزی قابل تصور باشد، آن معنای اسمی است. اما طبق مبنای مرحوم نائینی، کلمه «فی» زمانی لباس معنای حرفی می‌پوشد که «زید» یک طرف و «دار» طرف دیگر باشد، که بشود «زید فی الدار»، که ظرفیت را ایجاد می‌کند. اما خود «فی» یا تصور او، هیچ معنای حرفی ندارد.

پس ظاهر مبنای مرحوم نائینی که قائل به ایجادیت است این است که قبل از انشاء و استعمال، چیزی به نام معنای حرفی نداریم. پس چطور شما دو بزرگوار می‌فرمایید قبل از اینکه مولا «صلِّ» را بگوید آن معنای حرفی هیئت را با قیودی تصور کند، بعد انشاء کند؟! این طبق مبنای ایجادیت امکان ندارد.

بنابراین به ذهن می‌رسد که این اشکال دوّم مرحوم امام و مرحوم آقای خوئی وارد نیست.

نقد محقق خوئی بر محقق نائینی

مرحوم آقای خوئی (قده) در محاضرات اشکال دیگری هم کرده است. می‌فرماید ما اساساً این مطلب مشهور را که حرف دارای یک معنای غیر استقلالی است و اسم دارای یک معنای استقلالی است، این حرف را قبول نداریم. زیرا حرف نیز قابلیت تعلق لحاظ استقلالی را دارد.

حرف همان‌طور که می‌تواند به لحاظ آلی و تبعی ملحوظ باشد، می‌تواند به لحاظ استقلالی ملحوظ باشد. تعبیر ایشان این است که چه بسا یک معنای حرفی، مورد التفات استقلالی قرار گیرد.

محقق خوئی به همین مقدار اکتفاء کرده‌اند و چیز دیگری نفرموده‌اند.

پاسخ استاد از نقد محقق خوئی

اگر این مطلب درست باشد، باز دلیل مرحوم نائینی نقد می‌شود. اما باز این حرف مبنایی است و مرحوم نائینی و کثیری از بزرگان قائل به این هستند که حرف، لحاظ آلی دارد و آن زمانی که لحاظ استقلالی به او تعلق پیدا می‌کند از حرف بودن خارج می‌شود و مانند سایر مفاهیم اسمیه می‌شود.

در رابطه با این اشکال چه می‌شود کرد؟ اشکال این است که حرف، دارای یک معنایی است که لحاظ آلی به آن تعلق پیدا می‌کند. هیئت، دارای یک معنایی است که لحاظ آلی به آن تعلق پیدا می‌کند و اطلاق و تقیید مربوط به لحاظ استقلالی است.

نقد استاد بر دلیل محقق نائینی

در نقد این دلیل عرض می‌کنیم اگر همان مبنایی را که در نقد از اشکال اول اختیار کردیم، اینجا هم مطرح کنیم، این دلیل مخدوش خواهد شد، که خوشبختانه در آن قسمت اول فرمایش امام، ما اگر اطلاق و تقیید را در دایره مفاهیم بگیریم، و بگوییم مفهوم، مطلق است، این مفهوم و معنا مقید است، هیچ مفردی نیست، إلا از اینکه بگوییم اطلاق و تقیید در مفاهیم و مدالیل استقلالیه راه دارد.

اما قبلاً گفتیم همانطور که از ابتدا در واجب مطلق و مشروط گفتیم، مطلق و مشروط یک معنای اصطلاحی و اصولی ندارد، مطلق و مشروط همان معنای لغوی را دارد، حال چه اشکالی دارد که یک معنای موجود را حتی بعد از اینکه شارع ایجاد کرده، شارع اول می‌فرماید «صلِّ»، بعد این معنای حرفی هیئت را به هزار قید، مقید کند. تقیید مربوط به عالم واقع است. واقعاً ما یک وجودی، ولو وجود جزئی، ولو وجود غیر استدلالی، این را می‌توانیم مقید کنیم، تقییدش اشکالی ندارد.

شما اگر تقیید را در دایره مفاهیم بیاورید، می‌گوییم یک مفهوم، در صورتی قابلیت تقیید دارد، که مفهوم استدلالی باشد، استقلاً او را تصور کنید، وقتی استقلاً تصور کردید، آن را قید می‌زنید. اما وقتی ما اطلاق و تقیید را توسعه دادیم و گفتیم این زید خارجی، مگر یک وجود نیست، اگر یک عرضی را عارض آن کردید، همین زید، می‌شود مقید. منتها در احکام شرعی این هیئت، حالا موجود شد، فرمود «صلُّوا»، اول وجوب صلاة را بیان فرمود، بعد بفرماید این هیئت وجوب، مقید است به وقت یا بلوغ یا عقل و...، به طوری که اگر این معنا نباشد، مولا عدم وجوبش را اعتبار می‌کند.

بنابراین مفهوم آلی قابلیت تقیید ندارد، در صورتی که بخواهیم از نظر مفهومی آن را تقیید کنیم، اما اگر از نظر وجودی بخواهیم آن را تقیید کنیم، هیچ اشکالی ندارد. مؤید آن هم همین توضیحی بود که از امام نقل کردیم، که اصلاً در جملات اخباریه تمام تقییدات به معانی حرفیه برمی‌گردد، و اینچنین نیست که به معانی اسمیه برگردد، إلا در یک موارد نادر.

بنابراین از همان راه، این اشکال هم جواب داده می‌شود.

تا اینجا دو اشکال مطرح و جواب آن داده شد. اما اشکال خیلی مهم در مسأله، دلیل سؤم بر استحاله رجوع قید به هیئت است که مرحوم آخوند آن را در کفایه در ضمن این قلت آورده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين